



گذار از مدرسه به دانشگاه

رفتار متفاوت آن‌ها، نبودن سختگیری‌های مدرسه و به هم خوردن عادت‌های درسی ما و مسئله‌های دیگری که برای ما دانشجویان اغلب تازگی داشت. هیچ کس نبود که ما را راهنمایی کند و بگوید که با آن همه مسئله که برایمان پیش آمده بود، چه کنیم. برای همین، همهٔ مسائل را آزمایش و تجربه می‌کردیم و راه خود را می‌یافتیم.

اما امروز به نظر می‌رسد که ظاهراً همهٔ خانواده‌ها و مدارس به دانشگاه توجه دارند؛ طوری که بچه‌ها را از دورهٔ ابتدایی برای ورود به دانشگاه آماده می‌کنند، ولی آیا واقعاً این را می‌توان آماده‌گی خواند؟ همه برای ورود به دانشگاه آماده می‌شوند ولی برای گذار از مدرسه به دانشگاه، نه. همه آماده می‌شوند که سدی را بشکنند و وارد دانشگاه مورد نظر خود شوند ولی آنچه پس از آن منتظر بچه‌هاست، مدنظر نیست.

در سال‌های اخیر، برخی دانشگاه‌ها با توجه به این موضوع در بدو ورود دانش‌آموزان به دانشگاه طرح‌هایی را برای آنان اجرا کرده‌اند. تحقیقی که در یکی از دانشگاه‌ها انجام شده، حاوی ارزیابی طرحی در این زمینه است. طرح یاد شده به دلیل ناتوانی دانش‌آموزان تازه دانشجو شده در مدیریت وضعیت جدید خود در دانشگاه و ناتوانی در انطباق خود با دانشگاه به اجرا درآمده است و در آن، تأثیر برنامهٔ آموزش گذار از مدرسه به دانشگاه بررسی گردیده و

وارد مدرسه که می‌شدیم، حیاط بزرگی بود که به بچه‌های کلاس پنجم و ششم دبیرستان اختصاص داشت. از پله‌ها که بالا می‌رفتیم و راهرو را رد می‌کردیم وارد حیاط دیگری می‌شدیم که بچه‌های کلاس نهم و دهم زنگ‌های تفریح به آنجا می‌رفتند. از این حیاط هم که رد می‌شدیم، به حیاط دیگری می‌رسیدیم که بچه‌های کلاس هفتم و هشتم در آنجا صف می‌بستند و به کلاس می‌رفتند. ازدحام بچه‌ها و جمعیت متنوع دانش‌آموزان مسئولان مدرسه را بیش از همه درگیر کنترل دانش‌آموزان و نظم و انضباط مدرسه می‌کرد. در مدرسه ما با اینکه بهترین مدرسه منطقه بود و از مدارس خوب دولتی به شمار می‌آمد، هیچ‌وقت دربارهٔ دانشگاه صحبت نمی‌شد. فقط یاد می‌آید سال دهم که بودیم، معلم جبر گهگاهی برای اینکه ما بچه‌های جنوب شهر را به خود بیاورد، از دانشگاه حرف می‌زد و ما را نصیحت می‌کرد که گاهی برویم جلوی دانشگاه تهران و از پشت نرده‌های سبز آن به داخل دانشگاه نگاه کنیم تا انگیزه‌مان برای رفتن به دانشگاه تقویت شود. هیچ دبیری از دانشگاه برای ما نگفت و تنها تصورمان از دانشگاه، نرده‌های سبز دانشگاه تهران بود.

عاقبت وارد دانشگاه تهران شدم. همه چیز برایم تازگی داشت. نحوهٔ گرفتن واحدهای درسی، حضور در کلاس‌های مختلف، تعداد زیاد استادان و مشی و

توانمند کردن آن‌ها برای انطباق با فضای آموزش عالی، با ایجاد مهارت‌های مورد نیاز است. در این شماره نشریه، چند و چون ارتباط دانشگاه و مدرسه را از جهات مختلف بررسی کرده‌ایم.

***پی‌نوشت**

۱. جلالی مرضیه، و صادقی احمد. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش برنامه‌آمدگی گذار مدرسه به دانشگاه بر انطباق‌پذیری مسیر شغلی و بهزیستی تحصیلی دانشجویان تازه‌وارد. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.

آثار مثبت این طرح اثبات شده است! به نظر می‌رسد که این آموزش مفید ولی بسیار دیر است. اگر ما دوره ابتدایی را آغاز آمادگی دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه فرض کرده‌ایم و در آن تنها بر آزمون و تست‌های چند گزینه‌ای تأکید می‌کنیم، علی‌الاصول باید به آمادگی ذهنی و مهارتی دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه هم بیندیشیم. این امر مستلزم آشنا کردن دانش‌آموزان با فضای دانشگاه از سال‌های مناسب در دوران مدرسه و نیز

